

زنان و سیاست

شهره شهسواری فرد*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۱۰

برای بیدار شدن مردم، این زنانند که باید بیدار شوند وقتی
دختری حرکت می کند یک خانواده به جنبش در می آید
و پس از آن روستا، شهر، ملت نیز تکان خواهد خورد.
(جواهر لعل نهرو)

چکیده

جوامع در حال توسعه، در حال گذار از نگرش های سنتی به ایستارهای نوین هستند. اما در این دوران گذار هم، زنان جایگاهی شایسته در عرصه مشارکت سیاسی نیافته و به عنوان موجود ناکامل سیاسی مورد قضاوت قرار گرفته اند. نگارنده به صورت توصیفی - تحلیلی با پی جویی آسیب های اجتماعی زنان، بر این باور است که به دلایل گوناگون که ریشه در باورها و ساختارهای دیرینه اجتماعی و اقتصادی دارد، زنان از شبکه تعاملات اجتماعی دور شده اند و راه نایل آنان به سطوح عالی قدرت سیاسی دشوار شده است. به عبارتی همچنان مشارکت زنان در رده های بالای سازمانی دارای موانع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، عرفی و سلیقه ای است. و پیشرفت آنها در مشاغل تصمیم گیری چندان محسوس نبوده است. به گونه ای که در حال حاضر شمار زنانی که بر مسند قدرت در جهان تکیه دارند، کمتر از سالهای گذشته است و حتی پنج درصد از مجموع رهبران جهان هم تشکیل نمی دهند. که باید به دنبال راه چاره بود

کلیدواژه‌گان: زنان، مشارکت سیاسی، موانع ساختاری و غیر ساختاری.

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره سیزدهم
پاییز ۱۳۹۶

* دانشیار، دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی،

کرمان، ایران، رایانامه: Sh. shahsavari10@gmail.com

مقدمه

مشکل وقتی وجود دارد که بازیگران اجتماعی میان آنچه هست و آنچه که باید باشد شکاف و فاصله ببینند. «زمانی که در یک جامعه مشکلی به مسئله تبدیل می‌شود؛ انجام تحقیقات به منظور کشف علل و واقعیت‌های اجتماعی مرتبط با آن الزامی می‌شود. شکل و ساختار مشکل، تعیین کننده روش راه حل یابی و تصمیم‌گیری در خصوص مواجهه با آن می‌باشد. از این رو پرداختن به آنها از فعالیت‌های اساسی متخصصان محسوب می‌شود.

هر روز هستند کسانی که این سوال را زمزمه می‌کنند: کارهای مردانه زیادی هست که زنان نمی‌توانند انجامش دهند. اما آیا کار زنانه ای هم هست که مردها نتوانند آن را بهتر از خانها انجام دهند!؟

شکاف جنسیتی در اکثر جوامع سنتی یکی از پایدارترین و برجسته ترین شکاف های اجتماعی در طول تاریخ بوده است. فرهنگ های جوامع سنتی با احکام قطعی و تغییرناپذیر، زن و مرد را از همدیگر جدا کرده و میان آنان تمایز و تبعیض قائل شده اند. هرچند فعالان حقوق زن در طول بیش از صد و پنجاه سال اخیر برای رفع این شکاف تبعیض آمیز تلاش کرده اند، اما هنوز هم در بسیاری از جوامع، زنان قربانی بدترین اشکال تبعیض، خشونت و محرومیت از حقوق اساسی شان اند.

مهمترین نمود این محرومیت ها در حوزه عمومی و در عرصه فعالیت های اجتماعی دیده می شود. جامعه برای آنان حوزه ممنوعه بوده و حضور و اشتراک در فعالیت های اجتماعی برای آنان کاری خلاف اخلاق و هنجار، پنداشته شده است، چون سیاست و اداره امور اجتماعی همواره یک امر مردانه پنداشته می شده و زنان از این عرصه غایب بوده اند. این دیدگاه تا جایی است که حتی هنگامی که زنان در طول تاریخ برای رسیدن به هدف از عقل استفاده کرده اند. متهم شده اند به مکر و حیله گری و هنگامی که این سیاستها از سوی مردان صورت گرفته شهره شده اند به استفاده از عقل و کیاست، گویا عقل به زنان که می رسد نامش مکر است و مکر به مردان که می رسد نامش عقل!

در حالیکه امروزه در روزگاری زندگی می‌کنیم که نمی‌توانیم حضور گسترده‌ی زنان را در عرصه‌ی سیاسی نادیده، و فعالیت‌های نیمی از جامعه را تنها به علم و پژوهش و حتی تعلیم و تعلم محدود کنیم. تقسیم عادلانه‌ی قدرت در تمامی عرصه‌های اجتماعی و سیاسی بین زنان و مردان نه تنها ضامن پیش‌برد دموکراسی



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره سیزدهم
پاییز ۱۳۹۶

است، بلکه حق طبیعی شهروندی برای هر دو جنس است که سهم برابر برای تأثیرگذاری در عرصه‌ی سیاسی را دارا باشند. تا معلوم شود که زنان نیز همانند مردان توانایی رشد و کسب شایستگی‌های فراوان را دارند. حال با این توصیف، سوال این است: مشارکت زنان در فرایند توسعه سیاسی - اجتماعی از چه جایگاهی برخوردار است؟ فرصتها، موانع موجود و چشم انداز آینده مشارکت سیاسی زنان کدامند؟ و چگونه مردان توانسته اند در باز داشتن زنان از ورود به فعالیت سیاسی چنین موفق باشند؟

موانع قانونی، نوع ساختار سیاسی جوامع، عدم تجربه کافی، تفاوت در شیوه های چانه زنی، تبعیض های آشکار فرهنگی - اجتماعی و همه این ها به ما کمک میکنند تا بتوانیم جواب این سوالات را در یابیم. با اینحال زنان خواهان آنند که موانع را کنار زده، در مراحل مختلف برنامه ریزی و تصمیم گیریهای کلان حضور فعال داشته و تأثیر گذار باشند (ر. ک. ب. رودگر، ۱۳۸۸). و این مستلزم هموار کردن گام اولیه رفتار جمعی است.

رفتار جمعی زنان در سیاست

((نیل اسملسر)) جامعه‌شناس شش شرط را به عنوان عوامل اولیه و تعیین کننده رفتار جمعی ذکر کرده است (کوئن، ۱۳۷۲: ۳۲۷).

۱. زمینه ساختاری: به معنای این است که ساختار جامعه باید به گونه‌ای باشد که شکل خاصی از رفتار جمعی در آن به وقوع بپیوندد. ۲. فشار ساختاری: هنگامی که فشاری بر جامعه تحمیل می‌شود، مردم اغلب برای یافتن راه حلی پذیرفتنی، به همکاری با یکدیگر ترغیب می‌شوند. ۳. باور تعمیم یافته: پیش از اینکه راه حلی دسته جمعی برای یک مسئله یافت شود، باید همه بپذیرند که چنین مسئله‌ای وجود دارد. بنابراین، مسئله باید شناخته شود، افکار را متوجه کند و راه حل‌های ممکن ارائه شود. ۴. عوامل شتاب‌دهنده برای ظهور رفتار جمعی: باید نخست رویداد مهمی افراد را به واکنش جمعی وادارد. ۵. بسیج برای اقدام: هنگامی که رویداد شتاب‌دهنده رخ داد، گروه برای اقدام بسیج می‌شود. ۶. عملیات کنترل اجتماعی: موفقیت یا عدم موفقیت تلاش‌های جمعی افراد عمدتاً به موفقیت یا شکست سازوکارهای کنترل اجتماعی در جامعه بستگی دارد.

در این راستا بر اساس فاکتور رفتار جمعی، حضور زنان در جامعه سیاسی، فراز

و نشیب زیادی را طی کرده است. به طور مثال در یونان باستان، زنان و مردان در جامعه برابری نداشتند. افلاطون در کتاب جمهوریت می گوید: "خدا را شکر می کنم که یونانی زاده شده ام نه غیر یونانی، آزاد به دنیا آمده ام نه برده، مرد آفریده شده ام نه زن" (افلاطون، ۱۳۸۴: ۲۷۰). ارسطو پا را از این هم فراتر گذاشت و فرزند دختر را نوعی انحراف از فرزند صحیح (پسر) و لذا زنان را نوعی ایراد در طبیعت می دانست. او زنان را به عنوان موجوداتی که جایی در سیاست ندارند معرفی کرد. و عقیده داشت خداوند آنها را فقط برای جنبه های پست زندگی آفریده است (ر. ک. ب بول، ۱۹۹۲). با اینحال حضور زنان در جامعه چه به صورت حضور مستقیم در سیاست و چه در قالب نقش غیر مستقیم - تنها در چهره نفوذ سیاسی - همیشه جزئی از تاریخ بوده است (مصفا، ۱۳۷۵: ۷).

که مشارکت این قشر را می توان در دو سطح روش و تحلیلی بررسی نمود (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۲۳۷) به لحاظ شیوه و روش: انواع سه گانه مشارکت بسیجی، مشارکت نوین و مشارکت غیر مستقیم قابل تصورند و به لحاظ سطح تحلیل، مشارکت در سطح توده و مشارکت در سطح نخبگان، به چشم می خورند که دارای ویژگیهای زیر هستند.

الف) در سطح شیوه و روش

- مشارکت بسیجی: خصیصه مشارکت بسیجی، جمعی بودن و خودجوش بودن مشارکت زنان است. که نمودهای بارز آن را می توان در (شرکت در راهپیمایی ها، تظاهرات و شورش های متعدد در تاریخ معاصر) جستجو کرد.
- مشارکت نوین: شاخصه های مشارکت نوین عبارتند از: (۱) شرکت در رأی گیری ها (توده) و همه پرسی های (۲) شرکت در مجلس مقننه (در سطح نخبگان نامزد، نماینده) با تکیه بر شایسته گزینی، به جای استفاده از پیوندهای وابستگی؛ (۳) شکل گیری گروه ها و انجمن های خاص زنان برای بیان منافع؛ (۴) شرکت در امور اجرایی (اخذ تصمیم)؛ (۵) کار برای حکومت (اشتغال).
- مشارکت غیر مستقیم: شاخصه های مشارکت غیر مستقیم عبارتند از: (۱) پشتیبانی از خانواده برای شرکت در جنگ؛ (۲) اهدای کمک های مالی،



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره سیزدهم
پاییز ۱۳۹۶

شرکت در فعالیتهای ستاد پشتیبانی؛ ۳) شرکت در فعالیتهای سیاسی برای انجام تکلیف شرعی (مصفا، ۱۳۷۵:۷).

ب) به لحاظ سطح تحلیل

می توان مشارکت سیاسی زنان را در دو سطح، تحلیل کرد و برای هر یک انواعی بر حسب مطالب نظری مشارکت بیان داشت:

- مشارکت در سطح توده: شاخصه های مشارکت در سطح توده عبارتند از: الف) شرکت در انتخابات و استفاده از حق رأی ب) شرکت در گروه ها و انجمن ها و احزاب سیاسی (شرکت در مجالس روضه را می توان جزء این دسته برشمرد؛ پ) شرکت در تجربه های اجتماعی (مانند جنگ، خدمات انسان دوستانه، جنبش های اجتماعی، مذهبی و زیست محیطی و بهداشتی).
- مشارکت در سطح نخبگان: این سطح از مشارکت سیاسی معمولاً در حیطه زنانی با کیفیت، در مراتب تحصیلات عالی، آگاه، متخصص و با علاقه و تعهد اجتماعی است. که به صورت زیر نمود پیدا می کند:
 - الف) حضور نمایندگان زن در مجالس مقننه؛ ب) شرکت در قوای مجریه سیاسی؛ پ) شرکت در خدمات اداری دولتی: شاغلان در نظام دیوان سالاری، بخصوص در برخی وزارتخانه ها (مانند اقتصاد، وزارت امور خارجه و دفاع)؛ ت) شرکت در خدمات بین المللی (حضور در نمایندگی های بین المللی) (همان: ۸).

بنابراین مشارکت سیاسی، درگیر شدن فرد در سطوح مختلف نظام سیاسی را شامل می شود. که با اجتماعی شدن سیاسی رابطه دارد (پری، ۱۹۹۰: ۱۶۷). و دارای سلسله مراتبی است (جدول ۱) که از رای گیری در انتخابات تا گرفتن مقامات رسمی با عضویت فعال حزبی متغیر است (ر. ک. ب هلد، ۱۹۸۴).

زنان و سیاست
(۲۵ تا ۴۴)

جدول ۱. سلسله مراتب مشارکت سیاسی

داشتن مقام رسمی سیاسی
عضویت فعال در سازمان یا حزب سیاسی
مشارکت در اجتماعات عمومی تظاهرات و.....
عضویت انفعالی در سازمان یا حزب سیاسی
مشارکت در بحثهای سیاسی غیر رسمی
رای دادن عدم درگیری در سیاست

موقعیت سیاسی زنان در ایران

تا قبل از انقلاب ۱۳۵۷ مشارکت سیاسی به معنی دقیق کلمه معنا نداشت. بر اساس (ماده ۱۰) قانون انتخابات مجلس مصوب ۱۳۲۹ ه. ق. اشخاص ذیل از انتخاب کردن به طور مطلق محرومند: ۱- زنان ۲- کسانی که خارج از رشد و تحت قیمومیت شرعی هستند. ۳- اشخاصی که خروجشان از دین اسلام به اثبات رسیده است. ۴- ورشکستگان به تقصیر. ۵- متکدیان و کسانی که به وسایل غیر شرعی تحصیل معاش می نمایند. ۶- مرتکبین قتل و سرقت. به این ترتیب زنان در ردیف افراد نابالغ، مرتد، متکدیان و..... قرار داده شده بود. تا تحت لوای چنین قوانین زن ستیزانه ای فرصتی برای طرح حقوق فردی - اجتماعی خود نداشته باشند. ولی با اینحال بودند زنانی در دوران قاجار که با تشکیل انجمنهای سری و ناسری هم دوش مردان دست به فعالیت زنند.

تا اینکه در دوره ۵۷ ساله پهلوی، تقابل سنت و مدرنیته به اوج رسید. که جامعه زنان نیز بی تاثیر از این گذار نبود. در این دوران زنان توانستند از حق ((انتخاب شدن)) و ((انتخاب کردن)) هر چند به طور فرمایشی بهره مند شوند^۱ (بهشتی نژاد، ۱۳۸۶:۱۲۲). با اینحال سیستم مرد سالارانه ی حاکم حق شرط را در سه بخش قانونگذاری (شکل ماهیت تفسیر) برای خویش محفوظ نگه داشته بود. تا اهرم های قدرت را جهت تثبیت سلطه بر زنان حفظ کند. و مجال حضور را از زنان بگیرد که موفقیت آمیز هم بود.

بعد از انقلاب ۱۳۵۷، زمینه مساعدی برای مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان فراهم گردید. اما نه به صورت کامل و همه جانبه. (جدول ۲ و ۳) مبین این نکته است که آمار کارکنان دولت بر حسب قوانین استخدامی تفاوت معنا داری میان زنان و مردان نشان می دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۱:۱۱۵) که ریشه آن را باید در حاکم بودن موانع خاص در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه جستجو کرد.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره سیزدهم
پاییز ۱۳۹۶

۱. در زمان محمد رضا با تصویب لایحه انجمنهای ایالتی - ولایتی در هیات دولت و سپس در سال ۱۳۴۳ در مجلس بند ۱ ماده ۱۰۰ قانون انتخابات مصوب ۱۳۲۹ ه. ق که زنان را از شرکت در انتخابات منع کرده بود، حذف شد، و راه تا حدودی هموار گردید.

جدول ۲. وضعیت شغلی مستخدمین دولت

وضعیت شغلی	مردان	زنان
کارفرمایان	۳۷۶ هزار	۹ هزار
کارکنان مستقل	۲۴۰۹ هزار	۱۲۶ هزار
حقوق بگیر و مزد بگیر	۱۹۴۹ هزار	۱۳۰ هزار
حقوق بگیر بخش عمومی	۲۷۲۵ هزار	۶۲۷ هزار
حقوق بگیر بخش تعاونی	۳۳ هزار	۴ هزار
جمع	۴۸۰۲ هزار	۳۰۹ هزار

جدول ۳. وضعیت شغلی مستخدمین دولت به تفکیک وزارتخانه ها

وزارتخانه ها	مرد	زن
ریاست جمهوری	۱۴۸۵۴	۳۳۰۷
وزارت امور اقتصاد و دارایی	۱۷۷۲۴۶	۱۹۳۸۱
وزارت امور خارجه	۳۲۸۶	۲۳۵
وزارت بازرگانی	۱۴۵۸۳	۱۲۱۶
وزارت پست و تلگراف	۵۹۲۷۰	۴۵۰۹
وزارت تعاون	۱۵۲۹	۲۷۶
وزارت جهاد کشاورزی	۱۱۰۷۷۰	۵۶۰۷
وزارت علوم - فناوری	۳۳۰۴۰	۸۷۰۹
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۸۸۳۳	۲۲۱۶
وزارت کار و امور اجتماعی	۷۸۲۴	۱۳۰۲
وزارت کشور	۱۹۵۹۶	۱۸۵۲
مجلس شورای اسلامی	۱۹۴۹	۹۶
قوه قضاییه	۳۸۹۷۷	۶۸۸۲
صدا و سیما	۱۰۷۹۵	۱۹۱۱

(منبع، مرکز آمار ایران، ۱۳۸۱:۱۱۵)

زنان و سیاست

(۲۵ تا ۴۴)

موانع تاثیر گذار فعالیت زنان در سیاست

اگر حق انتخاب کردن، انتخاب شدن و داشتن منصب حق ضروری برای حیات سیاسی در یک فضای مدنی است. لذا این حقوق برای زنان نیز متصور است. اما به نظر می رسد آنچه مانع مشارکت آنان می شود عرف و آداب و رسوم قالبی حاکم بر جوامع است (طباطبائی، ۱۳۷۶:۷۰۳). به اعتقاد سیمون: (این طبیعت زنان نیست که محدودیتهایی را در نقش آنان ایجاد کرده است بلکه مقصر مجموعه ای از

پیشداوریها، سنتها و قوانین کهن اند که زنان نیز در پیدایش آن سهیم بوده اند (آندره، ۱۳۷۲: ۱۱۵)

علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، متأسفانه هنوز زنان با مرزها و موانع متعددی در مقابل پیشرفت سیاسی مواجه هستند و هنوز صدای آنان آن طور که باید شنیده نمی‌شود. این مسأله در کشورهای در حال توسعه به شکل مضاعفی به چشم می‌خورد. در واقع از یک طرف در ساختار حقوقی این کشورها زن در جایگاه جنس دوم قرار دارد و از طرف دیگر ساختار حقیقی نیز به دلیل فضای سیاسی و فرهنگی حاکم بر این کشورها، مشارکت سیاسی و حضور زنان را در قدرت بر نمی‌تابند. از این روی موانع پیش رو را می‌توان در قالب چند دیدگاه مطرح کرد و سپس به صورت موردی توضیح داد.

- **نظریه جامعه پذیری:** تفاوت‌های موجود در رفتارها و باورهای سیاسی زنان و مردان را بر اساس رفتار و باورهای سیاسی آنان تبیین می‌کند (اورام، ۱۹۷۴: ۱۹۸). جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که به موجب آن افراد نگرشهای سیاسی را فرا می‌گیرند و الگوهای رفتار سیاسی را توسعه می‌دهند. کارگزاران اصلی این کار خانواده، مدرسه، گروه همسالان هستند که بر رفتار سیاسی افراد تاثیر می‌گذارند (ملکی، ۱۳۸۴: ۲۳۰). به عقیده زنان، سیاست‌فعالیتی مردانه است. آنها در نقش مادری و همسری جامعه‌پذیر شده‌اند و این دیدگاه در کاهش رفتار سیاسی آنها موثر است (ولج، ۱۹۷۸: ۳۷۲).

- **دیدگاه ساختی:** تاکید می‌کند که زنان در بزرگسالی موانع ساختی را در تمایل خود به فعالیت سیاسی تجربه می‌کنند. تفاوت جنسی در امر سیاسی در دوره کودکی بروز نمی‌کند. بلکه وقتی ظاهر می‌شود که مجموعه نقش زن در خانواده تغییر می‌یابد (هیوز، ۱۹۷۸: ۵۳).

- **دیدگاه وضعیتی:** معتقد است از آنجا که زنان در امور خانه و خانواده در گیر شده‌اند. فرصت کمتری برای فعالیت سیاسی دارند یا به دلیل تجربه اندک سیاسی کمتر به آن توجه نشان می‌دهند (لیسپت، ۱۹۷۳: ۱۲۳)

- **دیدگاه کارکردی:** کارکرد زنان را به امور خانواده محدود کرده و بر این باور است که واگذاری نقش سیاسی - اجتماعی به زنان سبب تخریب کارکردهای کنونی جامعه می‌شود. به عقیده ((پارسونز)) زنان در خانواده نقش عاطفی ایجاد می‌کنند و از آنجا که آزادی زنان از خانواده به آسفتگی جامعه منجر می‌شود کارکردی ندارد (ر. ک. ب پارسونز، ۱۹۵۱).



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره سیزدهم
پاییز ۱۳۹۶

در قالب این چهار نظریه موانع پیش روی فعالیت زنان در امور تاثیر گذار و کلان به موارد زیر تقسیم می شود.

الف) نوع تربیتی خانوادگی

از نظر تاریخی نهاد خانواده با ویژگی اقتدار مسلم پدر و قطعیت حکم او در فیصله بخشیدن در امور، به عنوان اصلی ترین هسته حیاتی و واحد فعالیت زیستی، همیشه صورتی منسجم، معتبر و مقدس داشته است.

خانواده از جمله نهاد هایی است که گزاره های مربوط به نا برابری جنسی را به افراد منتقل و نهادینه می کند طوری که بعد از ازدواج نیز، به دلیل نوع تربیت، روش ها و دیدگاه های خانوادگی، به ندرت مردی را می توان پیدا کرد که همسرش را به امورات سیاسی و مشارکتی سوق دهد. که از برکات آن می توان به عدم دستیابی زنان به موقعیت های شغلی و سیاسی اشاره کرد. منزوی کردن زنان در خانه می تواند آسیب های دیگری را با خود بپروراند و نوعی ساخت اجتماعی مونث ابدی را به طرز مداوم مقاومتر و پایاتر کند (فریدمن ۱۳۸۱: ۲۶).

شگفت اینجاست که سیاست عمدتاً یک هویت مذکر داشته و مردان را از نوعی رانت موقعیت^۱ برخوردار کرده و آنان را در حد بالای ساختار سیاسی قرار داده است (رئیس دانا ۱۳۸۳: ۳۲). این نگاه جنسیتی در تمام دنیا فراگیر است و تنها محدود به کشورهای در حال توسعه نیست. بدین سان که اولین پرسشی که بعد از تولد هر نوزادی، پرسیده می شود در ارتباط با جنسیت است؛ و بر حسب پسر یا دختر بودن نوزاد، واکنش های به نسبت متفاوتی از سوی والدین و اطرافیان صورت میگیرد. (میشل، ۱۳۷۶: ۳۵). به عنوان مثال، در لوکانی ایتالیا، زمانی که نوزاد پسر به دنیا می آید، پارچ آبی را در خارج از منزل خالی می کنند تا نشان دهند که پسر متولد شده تمام راه های دنیا را در می نوردد و جهان گشا می شود. اما زمانی که نوزاد دختر باشد، آب را در بخاری می ریزند، بدین معنی که دختر متولد شده در چهار دیواری خانه خواهد ماند (بلوتی، ۱۳۸۱: ۷۶).

زنان و سیاست
(۲۵ تا ۴۴)

۱. زنان کمتر از یک دهم درآمد جهانی را دریافت می کنند. اما دو سوم کار جها را انجام می دهند.

ب) موانع قانونی در فعالیت زنان

تحقق مشارکت زنان مستلزم پشتوانه قانونی برای پاسخ‌گویی به نیازهای آنان است اما قوانین در این باب نارساست. «لون فولر» در کتاب مشهورش «ادب قانون»^۱ خصایصی برای قانون بر می‌شمارد که آنها را ادب درونی قانون می‌نامد. وی معتقد است:

«هر قانونی دو ادب دارد: یعنی باید دو وجه اخلاقی داشته باشد که یکی از آنها را ادب درونی می‌نامد و دیگری را ادب بیرونی مقصود وی از ادب درونی قانون رویه‌ها و ترتیباتی است که باید مستقل از محتوا و مضمون قانون رعایت شوند تا قانون قانون شود گر چه قانونی تبعیض‌آمیز باشد. و منظور از ادب بیرونی به محتوا و مضمون قانون اشاره دارد که بسته به شرایط اجتماعی می‌تواند عادلانه‌تر باشد یا نباشد. از این رو وی بر خلاف کسانی که قانون ناعادلانه را اساساً قانون نمی‌دانند معتقد است اگر فورمت تقنین رعایت شود و قانون ادب درونی داشته باشد کافی است تا آن را قانون بدانیم»

(fuller, 1964:310)

او هشت ویژگی را به عنوان ادب درونی قانون و اصولاً هر قاعده‌ای بر می‌شمارد که حتی با حذف یکی از آنها قانون و قاعده از اعتبار ساقط خواهد شد. این هشت ویژگی به شرح زیر است (Ibid)

۱. قانون باید عام و همه شمول باشد.
۲. قانون اولاً عطف به ماسبق نمی‌گردد و ثانیاً اجرای پاره‌ای قوانین مشمول مرور زمان می‌شود؛
۳. قانون باید علنی باشد؛
۴. قانون باید واضح و قابل فهم باشد؛
۵. مجموعه قوانین باید دارای سازگاری درونی باشد؛
۶. قانون نباید تکلیف مالا یطال کند؛
۷. قانون نباید زود به زود تغییر کند؛
۸. نباید میان قواعد اعلام شده و اجرای واقعی آنها مغایرتی باشد.

اما این ادب درونی و تا حدودی بیرونی در قوانین مربوط به زنان صادق نیست به همین دلیل یک بی‌نظمی شکل گرفته است. قانون می‌تواند حدود و عملکرد فعالیت زنان - را علاوه بر ساماندهی - کنترل و نظارت نماید. اگرچه در این زمینه اقداماتی در مراکز ذیربط صورت گرفته است، اما در نهایت هنوز قانون مدونی برای حوزه‌ی فعالیت‌ها و نحوه عملکرد زنان در دست نیست. همین موضوع باعث تشمت و



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره سیزدهم
پاییز ۱۳۹۶

1. Morality Of Law, "Lon L. Fuller"

اعمال سلیقه‌های شخصی شده است^۱ (ر. ک ب. خجسته ۱۳۸۰ و صادقی، ۴۷:۱۳۸۳)

به طور مثال همیشه در قوانین تاکید می شود «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت از قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت هنجارهای جامعه برخوردارند اما از سوی دیگر قانون مدنی بیان می کند «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی خود یا زن باشد، منع کند»!!! در حالیکه برای شغلی که منافی مصلحت خانواده باشد ضابطه و تعریف کلی وجود ندارد. و بر حسب زمان و مکان و وضع خانواده متفاوت است. به نظر می رسد امروزه قانونگذار باید در راستای کاهش الزامات قانونی بر زندگی خصوصی اشخاص گام بردارد و قوانینی را وضع نماید که در عین شفافیت حساسیت برانگیز نباشد.

ج) موانع سیاسی

مهم‌ترین چالش فراروی رسیدن زنان به منابع قدرت را باید عدم موجودیت فضای دموکراتیک در جامعه خواند، حتی با وصف این نکته که قانون، اکثر کشورها را دموکراتیک می‌خواند؛ اما این دموکراسی هنوز وارد نهاد فرد، خانواده، جامعه و در یک کلیت، مجموعه‌ی مردم و نظام حاکم نشده است. این مسأله تأثیری مستقیم بر احزاب سیاسی نیز گذاشته است. بی‌ثباتی احزاب و جناحهای سیاسی و نداشتن برنامه‌های روشن و عدم پابندی تعداد قریب به اتفاق آنها به مبانی دموکراتیک، نشانه‌های بارز جوامع غیر دموکراتیک است. از این‌روست که در چنین فضایی، جایی برای زنان در سیاست باقی نمی‌ماند.

گروه‌های سیاسی که در اکثر موارد، خود به حقوق و مشارکت سیاسی زنان

زنان و سیاست
(۲۵ تا ۴۴)

۱. وجود تبصره‌ها در قوانین بی اختیار مرا به یاد کتاب. (زبان، منزلت و قدرت در ایران از (ویلیام بیمن)) انداخت. نویسنده در گوشه‌ای از کتاب با لحنی طنز گونه سیستم اداری ایران را در دوران پهلوی با کشور خود مقایسه نموده بود با متنی اینچنین: وقتی به ادارات ایران مراجعه کردم؛ نکته عجیبی یافتم زمانی که به ارباب رجوع گفته می شود از لحاظ اداری این کار شما نشدنی است آنها تکیه کلامی دارند تحت عنوان ((یه کاریش بکن))!!! و عجیب است این جمله معجزه می کند به شرط اینکه آن مقام بخواهد برای آن فرد کاری بکند!! چون قوانین به قدری تبصره و تذکره دارد که بدون اینکه طرف متهم به بی قانونی شود می تواند کاری انجام دهد. (بیمن، ۱۳۹۵)

باور ندارند، نمی‌توانند نخبگان سیاسی زن را وارد جامعه کنند. در جوامع دموکراتیک، احزاب سیاسی در قدرت‌مندسازی و توان‌مندکردن زنان نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند و از همین جاست که زنان می‌توانند اعتماد به نفس حاصل کنند و خود را دخیل در امور سیاسی کشور بدانند. از طرف دیگر، در مبارزات انتخاباتی نیز زنان با حمایت بیش‌تری که ناشی از فعالیت حزبی است، مواجه می‌شوند و دسترسی به قدرت برای‌شان آسان‌تر می‌گردد. اما در کشورهایی مانند ما که ساختار سیاسی متمرکز دارند و حزب به معنای دقیق کلمه به چشم نمی‌خورد. مجال و حامی برای حضور زنان در سیاست نیست.

د) موانع فرهنگی در فعالیت زنان

زنان به عنوان متولیان مشاغل سیاسی اعتبار کافی در جامعه، به دست نیاورده‌اند. این امر به نوبه خود موجب می‌شود تا دولت و جامعه نیز نقش و جایگاهی مناسب را برای آنها در نظر نگیرد. و حضور آن را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های عمومی به رسمیت نشناسد. این ذهنیت که زن اسیر و وابسته است، استقلال عمل ندارد، نمی‌تواند به تنهایی خود را اداره کند. هنوز که هنوز است در میان مردم سیطره دارد که از بخت بد، زنان نیز به آن دامن زده‌اند این دیدگاه حتی در کشورهای پیشرفته هم تا حدودی به چشم می‌خورد، مثال زیر کاملاً موید این نکته است.

یک مدیر ارشد نزد خانم بار بارا میلز (مدیر دادرسی عمومی) رفت و مشکلی را نزد او مطرح نمود، تحت این عنوان: در یک مصاحبه استخدامی، یکی از بهترین داوطلب‌ها برای احراز یک پست در شرکت‌م یک زن است. اما بر سر استخدامش مردد هستم این خانم یک بچه دارد، و ممکن است بچه‌هایش بیشتر شوند. حیف از سرمایه‌گذاری که روی او انجام شود. او شوهری دارد که ممکن است با ترفیع یا انتقال احتمالی او مخالفت کند. ممکن است در ساعاتی که به او نیاز است نتواند سر کار حاضر شود. آن خانم سر سخت و قاطع نیست، یک شغل مردانه کلام مردانه می‌طلبد (فیگنر ۱۳۸۴: ۵۰۵). بر این اساس از مهم‌ترین موانع فرهنگی بر سر راه اشتغال زنان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های کلان،
۲. عدم آگاهی زنان نسبت به حقوق شهروندی خود،



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره سیزدهم
پاییز ۱۳۹۶

۳. بالاتر بودن نرخ بی سوادی زنان نسبت به مردان،

۴. و عدم شفافیت سهم زنان در جامعه و محدود نمودن آنها در فعالیتهای غیر

اجتماعی

«زویا پیرزاد» در کتاب چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم به زیبایی روزمرگی‌های یک زن را در خانه شرح می‌دهد و اینکه چگونه به بن‌بست می‌رسد و چراغ‌ها را خاموش می‌کند!

چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم رمانی حادثه‌ای نیست؛ ریتم کند و آهسته‌ای دارد که روزهای عادی را با رویدادهای متعارف روز تعریف می‌کند و در آن دل‌تنگی‌ها و روزمرگی‌های یک زن ساده را در یک گوشه شهر بازتاب می‌دهد. در این رمان هیچ حادثه آن‌چنانی به وقوع نمی‌پیوندد؛ اما گیرا است چون هدف نویسنده تصویر دغدغه‌های زنان است. «کلاریس»!! حس می‌کند که چیزی کم دارد و در پی شناخت همان حلقه گمشده شخصیت خود برمی‌آید. او وقتی به ذهن خود مراجعه می‌کند، با وجود خوشبختی ظاهری‌اش خود را دل‌زده می‌یابد و هنگامی که سرگشته و حیران می‌خواهد موقعیت خود را در بین فرزندان و شوهر بی‌اعتناش جست‌وجو کند، درمی‌یابد که برای شوهر و فرزندانش مبدل به یک شیء یا ابزاری شده است که می‌تواند در زندگی خود او را به‌کار بگیرند و یا کنار بگذارند (پیرزاد، ۱۳۸۰).

هـ) موانع اجتماعی

در بررسی موانع مشارکت زنان، جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنان را نمی‌توان کاملاً از هم تفکیک کرد. ولی با این حال مهم‌ترین راه دست‌یابی به توسعه فرهنگی را آموزش و پرورش زنان می‌دانند. که در این زمینه دو نهاد مدرسه و خانواده را مهم‌ترین عامل در آموزش، تربیت و جامعه‌پذیری زنان ارزیابی می‌کنند.

باید پذیرفت ناکافی بودن آموزش در مورد زنان نسبت به مردان، فرصت رشد و ارتقاء شخصیت وجودی زنان را دچار مشکل می‌نماید. و شرایط سختی برای اشتغال آنان ایجاد می‌نماید که باعث می‌شود زنان در زمینه‌های شغلی، یا شرایط مساوی با مردان را نداشته، و اگر هم در شرایط مساوی با آنان باشند، کارفرمایان و مدیران با ابهاماتی که برای آنان نسبت به زنان وجود دارد و تصورات و پیش‌داوری‌های منفی نسبت به کار زنان، مردان را بر آنان ترجیح دهند.

زنان و سیاست
(۲۵ تا ۴۴)

راههای جذب زنان در مشاغل کلان

با شناخت موانع حضور زنان در مشاغل کلان به طور عام و سیاست به طور خاص اکنون باید بررسی شود که با ارائه چه راهکارهایی می توان سیاست را با زنان و زنان را با سیاست آشتی داد.

۱. **تکیه بر توانمندی های فردی و ویژگی های خاص زنان:** در طول تاریخ زنانی که اعتماد به نفس بیشتر، و به توانمندی های شخصی خود باور داشتند، توانستند در سطوح مختلف قدرت ایفای وظیفه نمایند. در بسیاری از جاها دیده شده است که زنان نسبت به مردان از دقت بیشتر برخوردارند و توانایی اداره امور را به راحتی دارند. اما آنچه مهم است، این است که زنان بدانند که از توانایی فکری زیادی برخوردارند و برای اثبات این امر، نیاز به مبارزه و تلاش شبانه روزی دارند. تا از چهارچوب خانواده قدم به اجتماع و از آنجا با مبارزه و تلاش وارد منابع قدرت شوند. بنابراین به زنان توصیه می شود.

- بیدار شوید! زمانه عوض شده و شمانیز باید تغییر کنید.
 - به تحصیل بپردازید: تحصیلات سنگ زیربنای استقلال زنان است و وابستگی تانرا کاهش می دهد و به شما کمک می کند با مسائل برخورد بهتری داشته باشید.
 - مهارت های تان را افزایش دهید: این امر باعث امنیت و تقویت توانایی ریسک کردن در شما خواهد شد. باید فرصت های یادگیری و پیشرفت را در خود ایجاد کنید به عبارتی اگر فرصت ها به سراغ شما نمی آیند؛ آن ها را ایجاد کنید.
 - طوری عمل کنید که گویا غیرممکن است در هیچ سطحی دچار شکست شوید: به بیان دیگر اعتماد به نفس خود را افزایش دهید. این رفتار باید در تمام جوانب زندگی شما نمود داشته باشد.
 - به خود معتقد باشید؛ کلید رشد شما در درونتان نهفته است نه در محیط خارج از شما! برخیزید، مستقیم بایستید و شرایط را تغییر دهید. شما می توانید این موانع را از میان بردارید. خواه موانع در درونتان باشد، خواه در محیط خارج نهفته باشد.
۲. **تحول در محیط خانواده:** محیط خانواده از عوامل دیگری است که باعث



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره سیزدهم
پاییز ۱۳۹۶

می‌شود دختران و زنان در امور سیاسی و اجتماعی نقش بازی کنند(گود، ۱۱۲:۱۳۵۲) هستند زنان و دخترانی که پدران و مادران‌شان از دانش کافی سیاسی برخوردار نبوده، ولی حامی خوبی برای فرزندان‌شان بودند. مانع خواسته‌ها و علایق آن‌ها نشده‌اند و برعکس، برای تشویق آن‌ها نقش خوبی ایفا کرده‌اند. در نتیجه این دختران در جامعه خوب درخشیده و توانسته‌اند در جامعه مسئولیت انسانی خود را در مقابل سایر شهروندان ادا کنند. اما در شرایط فعلی اعتماد اجتماعی روزبه‌روز کاهش می‌یابد. و این فضا نه تنها شرایط سیاسی - اجتماعی را تنگ‌تر می‌سازد، که به فعالیت زنان در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی نیز ضربه می‌زند. زنان از اجتماع بیگانه می‌شوند و خود را نسبت به اجتماع بی‌علاقه می‌دانند و جامعه‌پذیری آن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. خانواده ایرانی باید تغییر کند و شرایط را برای حضور بهتر دخترانشان در سیاست مهیا سازند. باور کنیم کسی که در سیاست شرکت نمی‌کند شهروند بی‌آزار نیست بلکه شهروند بی‌خاصیت است.

۳. اتخاذ استراتژی عدالت جنسیتی: جریان‌سازی عدالت‌جنسیتی در دنیای امروز به عنوان یکی از راهکارهای گسترش حضور زنان در برنامه‌های توسعه‌ای مطلع نظر قرار می‌گیرد. مهم‌ترین راهبرد تحقق این استراتژی اختصاص کمیته یا کمیسیونی در تشکیلات سیاسی برای شناسایی دقیق ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی است که در مقاطع مختلف حزب وجود دارد. و نیز ارتقاء مشارکت سیاسی زنان در ارکان حزب اعم از کادر رهبری و ارکان دیگر. این رکن در هر تشکیلاتی موجب خواهد شد تا مسائل مختلف زنان در سطح حقیقی و حقوقی به ویژه در ساختار قدرت رصد و مورد بررسی قرار گیرد.

۴. اختصاص نظام سهمیه‌بندی: اختصاص سهمیه به زنان به عنوان اقدامی مثبت جهت افزایش مشارکت سیاسی و رفع تبعیض‌های موجود است. جهان اول در ساختار حزب، ظرفیتی را برای زنان ایجاد می‌نماید تا در کنار رشد و ارتقاء، بینش سیاسی، توانمندی‌های خود را بالفعل به نمایش بگذارند. از سوی دیگر ساختار نیز متعهد است تا نسبت به جذب و به کارگیری زنان توانمند و متخصص در استراتژی و چشم‌انداز خود اقدام نماید. تداوم و بکارگیری این روش، زمینه لازم را جهت بروز و اثبات توانمندی‌های زنان فراهم می‌کند.

این یکی از راهکارهایی است که احزاب سیاسی در دنیا برای حضور زنان در

قدرت سیاسی ظرفیت و زمینه لازم را ایجاد می‌نمایند. در صورتی که احزاب منتظر جذب خود بخودی زنان باشند، این امر خود به خود اتفاق نخواهد افتاد. و بدون اعمال سهمیه‌بندی و اقدام مثبت برای افزایش حضور زنان تحقق این رویا دست نیافتنی است. احزابی که به این موضوع توجه نداشته باشند، مشارکت زنان را از دست خواهند داد. در واقع تاکید احزاب برای اعمال نظام سهمیه بندی در ساختار حقوقی کشورها نه تنها زمینه اصلاح قوانین تبعیض آمیز را فراهم می‌کند بلکه زمینه حضور زنان را در قدرت نیز فراهم می‌کند.

با این راهکارها می‌توانیم زنان را به سمت سیاست بکشانیم و صلح را به ارمغان آوریم. باور رایج این است که زنان آرام‌تر (صلح‌جو تر) از مردان هستند و مشارکت آنان در جریان‌های سیاسی به کاهش خشونت در سطح بین‌الملل منجر خواهد شد. تجارب تاریخی نیز با تایید این موضوع از نقش موثر زنان^۱ در ایجاد گفتگو و تعامل در بین گروه‌های مختلف خبر می‌دهند. زیرا زنان ویژگیهای خاصی دارند که آنها را منفک می‌سازد.

- زنان معمولاً با دیدگاه کلان‌نگرانه‌ی خود، موضوع را جامع‌تر بررسی می‌کنند.
- زنان کمتر از مردان سلسله مراتبی عمل می‌کنند و به این ترتیب در مورد ریشه‌یابی منازعات عمیق‌تر و با دقت بیشتری عمل خواهند کرد.
- زنان بیش از مردان نگران امنیت غذایی، آب و دیگر منابع و همچنین دسترسی آوارگان به سرزمین اصلی خود هستند. در نتیجه راهبردهای پیشنهادی آنها نیز عمدتاً مسایل زیستی، مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی و در مجموع ایده‌های مربوط به عدالت و امنیت انسان است.
- زنان بیشتر خواهان رهبری جمعی هستند تا انفرادی؛ که این موضوع در نهایت به تقویت و بهبود سازمان‌دهی و گسترش مهارت‌های آنها کمک می‌کند.

۱. انجمن مادران مفقود الاثر گواتمالا، ائتلاف مادران شوروی (روسیه) که فرزندانشان در افغانستان و چین مشغول جنگ بودند، و یا فعالیت‌های سیندی‌شیهان در مخالفت با جنگ عراق، نمونه‌های برجسته‌ای از نقش بی‌همتای زنان در مواجهه با خشونت اعمال شده از سوی حکومت‌ها هستند.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره سیزدهم
پاییز ۱۳۹۶

- با توجه به موارد فوق، در صورت حمایت صحیح از زنان، آنها می‌توانند بخش مهمی از جریان برقراری و حفظ صلح را بر عهده گرفته و فرصت‌های جدیدی خلق نمایند.

سخن پایانی

هرچند در سال‌های اخیر، زنان بیشتری به سیاست روی آورده‌اند^۱ (ر. ک. ب. فوکویاما ۱۳۷۷). اما متأسفانه نگاه غالب نسبت به زنان، هنوز سستی بوده و بر اساس الگوهای مورد پسند مردان سنجیده می‌شوند. برای تحقق مشارکت سیاسی زنان به ویژه در قدرت سیاسی تلاش در دو سطح جدی ضروری است. از یک سو ارکان جامعه مدنی و از سوی دیگر دولت مستقر، در این بین احزاب نیز به عنوان بخش تاثیر گذار از جامعه مدنی می‌توانند نقش موثری ایفا نمایند. این واقعیت که نابرابری شرایط رقابت بین زنان و مردان در عرصه سیاست محصول تاریخ است، یک واقعیت غیر قابل انکار است. بنا بر این ایجاد شرایط برابر نه با شعار بلکه نیاز به تدابیر عملی و برنامه ریزی بلند مدت و جدی دارد. با این اوصاف امروزه سهم کردن زنان در قدرت و توسعه نه امری از سر اختیار بلکه یک امر ضروری و حتی اجباری است توجه به منافع عینی سرمایه گذاری روی زنان تلاش برای ارتقا و افزایش مشارکت سیاسی زنان را به مسئولیتی همگانی مبدل می‌کند. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد ((سقف شیشه ای))، بسیاری از زنان را از بالا رفتن به سوی پستهای مدیریتی و رهبری باز می‌دارد. این سقف شیشه ای نگرشها و تعصبات منفی است که مانع از آن می‌شود که زنان و گروههای اقلیت ورای یک سطح خاص در سلسله مراتب سازمانی بروند. باید این سقف شیشه ای را با راهکارهای زیر شکست.

زنان و سیاست
(۲۵ تا ۴۴)

- ایجاد نظام سهمیه ای ۲۰ تا ۴۰ درصدی برای حضور زنان در هیات وزیران
وزارتخانه ها و نمایندگی مجلس
- کمک مالی به نامزدهای زن در فرایندهای انتخاباتی،

۱. فوکویاما پیش بینی کرده بود در ۵۰ سال آینده زنان حضور فعالتری در سیاست ایفا می‌نمایند و این ویژگی جوامع دموکراتیک است.

- آموزش زنان و دختران جوان به منظور تشویق آنها در روی آوردن به حرفه‌های سیاسی،
- تغییر نگرش سنتی خانواده‌ها نسبت به دختران برای ایجاد نگاه برابر میان دختر و پسر،
- اصلاح محتوای کتاب‌های درسی و در پیش گرفتن رویه‌های برابر خواه و آزادی طلب نسبت به دختر و پسر،
- آماده کردن معلمان به عنوان عوامل آموزش دهنده تغییر در نگرش‌ها.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره سیزدهم
پاییز ۱۳۹۶

منابع

- افلاطون، (۱۳۸۴)، جمهور، ترجمه فواد روحانی، تهران: نشر مهر آیین.
- آندره، میشل، (۱۳۷۲) جنبش اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی زاده، تهران: نشر لیکا.
- بلوتی ا. ج، (۱۳۸۱)، جامعه شناسی و روانشناسی شکل گیری شخصیت در دخترها، ترجمه محمد پوینده، تهران: نشر نی.
- بیمن، ویلیام، (۱۳۹۵) زبان، منزلت و قدرت در ایران، تهران: نشر نی.
- پیرزاد، زویا، (۱۳۸۰)، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، تهران: نشر مرکز.
- خجسته، سعید؛ ۱۳۸۰، «نقش نهادهای مدنی در ارائه خدمات اجتماعی»، فصلنامه آوا، جلد ۲.
- دال، باربارا، (۱۳۷۷) زنان مدیر، ترجمه زهره قایینی، تهران: نشر بانو.
- راش، مایکل، (۱۳۷۷) جامعه و سیاست، ترجمه صبوری، تهران: نشر سمت.
- رودگر، نرجس، (۱۳۸۸)، فمینیسم؛ تاریخچه و نظریات، گرایش‌ها و نقد، تهران: نشر سازمان ملی جوانان.
- رییس دانا، فریبرز، (۱۳۸۳)، «عوامل ایجاد فساد اداری - مالی در ایران»، در کتاب انجمن جامعه شناسان ایران مجموعه مقالات خرداد ۱۳۸۱ جلد ششم، مسایل و جرایم مالی - اقتصادی و سرقت، تهران: نشر آگاه.
- صادقی، محسن؛ و طیبیه واعظی، ۱۳۸۱، «موانع قانونی ناکارآمدی NGO ها در ایران»؛ فصلنامه حقوقی علمی - پژوهشی، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۸۱.
- طباطبایی، محمد باقر (۱۳۷۶)، جامعه مدنی از دیدگاه فرهنگ شناسی، تهران: نشر مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- فرید من، جین، (۱۳۸۱) فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: نشر آشیان.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۷)، «زنان و تحول سیاست های جهانی»، ترجمه سید عباس عراقچی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست خارجی، چاپ ۱۲ - شماره ۳.
- فیگز، کیت، (۱۳۸۴)، زنان و تبعیض جنسی (افسانه فرصت های برابر)، ترجمه اسفندیار زند پور و بهدخت مال امیری تهران: نشر گل آذین.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳)، «نقش اجتماعی شدن سیاسی و عوامل اجتماعی کننده در مشارکت سیاسی زنان»، در کتاب نجفقلی حبیبی و محمد حسین

- پناهی (کوشش و گردآوری) مجموعه مقالات همایش زنان، تهران:دانشگاه علامه طباطبایی.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲) مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: نشر سمت.
- گود، ویلیام، (۱۳۵۲) خانواده و جامعه، ترجمه ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵)، «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه»، فصلنامه نامه پژوهش، شماره ۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، سالنامه آماری کشور، تهران، مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۱) سالنامه آماری کشور، تهران، مرکز آمار ایران.
- مصفا، نسرين، (۱۳۷۵) «مشارکت زنان در ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست خارجی، سال ۸، شماره ۳، ص ۲۰
- ملکی، امیر، (۱۳۸۴) «نگرش جوانان نسبت به مشارکت زنان در سطح برگزیدگان سیاسی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵
- میشل. ا. (۱۳۷۶) پیکار با تبعیض جنسیتی، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: نشر چشمه.

- Barbara ,Burrell,(1992)The political Leadership of women and public studies. 5565 no. 4,7991,p. 2journal vol-
- Fuller,L. , 1964. The Morality of Law. New Haven:Yale University Press Published .
- Held. D,(1984). power And legitimacy in Contem porary Britain in mc lenam ,g. Held and Hall ,s. state and society in contem porary Britain a:A critical Introdacathion ,polity press .
- Lipset ,S. M. (1973). Political Man ,new York ,free press [28]
- Orum,antonym M. and other (1974),sex,socializaon and politics. American sociological Review. vol. 39(April)
- Parry ,G. and Moy ser ,G. (1990), Amap of political participathion in , Britain government and oppositions, vol147 .
- Parsons,T. (1951)The social system , free press .
- Random, House, Webster's Dictionary,(1999); Microsoft Bookshelf (2000); Merriam Webster's Collegiate Dictionary 1993; The American Heritage Dictionary, 1997 .
- Welch. susan (1978)Recruitment of women to publhc office:A Discriminant Analysis. Western political Quarterly ,vol. XXVIII. NO3(September) .



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره سیزدهم
پاییز ۱۳۹۶